

بررسی جایگاه آموزه‌های اخلاقی در خانواده جهت ترویج سبک زندگی قرآنی

سارا دخش^۱

^۱ پژوهشگر پسادکتر، گروه کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران

چکیده

مسأله‌ای که در حال حاضر جامعه مسلمانان با آن مواجه شده؛ دوری از معارف اسلامی و تقلید کورکورانه از سبک‌های زندگی بیگانه است که با فرهنگ جامعه اسلامی هم‌سویی ندارد. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی جایگاه آموزه‌های اخلاقی در خانواده جهت ترویج سبک زندگی قرآنی اجرا شده است. این پژوهش به روش تحلیلی- اسنادی انجام شده است. بدین منظور کلیدواژه‌های موضوعاتی چون آموزه‌های اخلاقی خانواده، آموزه‌های اخلاقی اسلامی، سبک زندگی قرآنی، سبک زندگی اسلامی و بعد اخلاقی نظام تعلیم و تربیت در سه پایگاه اطلاعاتی داخلی از قبیل بانک اطلاعات نشریات کشور، بانک مقالات علوم اسلامی و انسانی نور و مرجع دانش مورد جستجو قرار گرفت. نتایج مطالعه نشان داد که از رسالت‌های اخلاقی هر خانواده پیاده‌سازی آموزه‌هایی مانند مودت و رحمت، احترام متقابل، توکل و ایمان به خدا، شکر نعمت و قدردانی، صبر و شکیبایی، خوش‌خلقی، وفاداری و امانت‌داری، عدالت‌ورزی، همکاری، همدلی و مسئولیت‌پذیری، مشورت و هم‌اندیشی، تدبیر و هوشیاری و صداقت و راستگویی با رویکرد فضیلت‌گرایی است. بنابراین اگر خانواده‌ها در فرآیند تعلیم و تربیت و اجرای آموزه‌های اخلاقی، اصول و آداب اسلامی را سرلوحه و الگوی خود قرار دهند؛ نقش به سزایی در ترویج سبک زندگی قرآنی در جامعه خواهند داشت. بی‌شک با چنین نگرش و عملکردی، شاهد نتایج مثبت دوسویه در جامعه خواهیم بود. چرا که با این الگوبرداری، از یک سو به رشد معنوی و اخلاقی خانواده‌ها کمک می‌شود و از سوی دیگر با پیوند عمیق میان تفکرات اعضای خانواده و اصول و آداب اسلامی، زمینه ترویج سبک زندگی قرآنی و اسلامی فراهم می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: آموزه‌های اخلاقی، خانواده، جامعه متعالی، سبک زندگی قرآنی، سبک زندگی اسلامی

از مهم‌ترین عوامل پیشرفت جوامع در تمامی ابعاد علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نوع سبک زندگی افراد آن اجتماع است. سبک زندگی شامل بسیاری از جنبه‌های رفتارهای اجتماعی و شیوه زیست افراد است که اشاره به ماهیت و نوع تعاملات و کنش‌های میان اشخاص در اجتماع دارد و آنچه که افراد در زندگی خود به عنوان روش، منش و سبک زندگی انتخاب می‌کنند؛ بیانگر هدف و غایت زندگی آنان است (مودب و محمودی، ۱۳۹۳؛ بنی‌اسدی، ۱۳۹۳). تاکنون مکاتب بشری در تلاش بوده‌اند که بهترین مسیر و سبک زندگی را برای انسان‌ها بیابند؛ با این هدف که در این مسیر کمترین ضرر و زیان به انسان وارد شود. اما خطاپذیری مکاتب بشری در دوره‌های مختلف به اثبات رسیده است. به گونه‌ای که مکارم شیرازی در کتاب خود فرموده‌اند: «وجود مکاتب مختلف و متضاد حقوقی و تغییرات مداومی که بشر پیوسته در قوانین خود اعمال می‌کند؛ کاشف این است که بشر همچنان نیازمند وحی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵؛ مودب و رضایی آدریانی، ۱۳۹۶).

مسئله‌ای که در حال حاضر جامعه مسلمانان با آن مواجه شده؛ دوری از معارف اسلامی و تقلید کورکورانه از سبک‌های زندگی بیگانه است که با فرهنگ جامعه اسلامی هم‌سویی ندارد. بعلاوه از آنجا که سبک زندگی افراد جامعه، بیانگر فرهنگ، جهان‌بینی و اعتقادات آن جامعه است؛ می‌توان ادعا نمود که شیوه و سبک زندگی مردم، مهم‌ترین بخش از حیات اجتماعی هر ملت به حساب می‌آید. لذا پیروی مردم جامعه از یک سبک زندگی اصیل و بومی، لازمه پیشرفت اقتصادی و اجتماعی آن جامعه است.

قرآن کریم با توجه به اینکه سخن خالق است؛ همه نیازهای مخلوق را مورد توجه قرار داده است. درواقع این کتاب آسمانی در کنار مسائل و نیازهای جسمی و دنیوی، به روح و اقتضائات آن نیز پرداخته است. همان‌گونه که در سوره نحل اشاره شده «و کتاب قرآن را بر تو فرستادیم که بیانگر همه چیز است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵؛ حسن‌زاده تبریزی، ۱۳۹۹). در این میان قرآن کریم در چارچوب دین اسلام، سبکی از زندگی را به بشریت عرضه کرده که برای تمامی ابعاد زندگی انسان، برنامه‌ای کامل و منسجم را طراحی و تعریف نموده است (مودب و محمودی، ۱۳۹۳). بنابراین سبک زندگی در دیدگاه اسلام، تحت عنوان «سبک زندگی قرآنی»، سازنده بهترین و درخورترین مسیر، جهت دستیابی به اهداف اساسی بشر در زندگی است (فیضی، ۱۳۹۲). دین اسلام با تشویق انسان برای دستیابی به حیات طیبه، سبک زندگی قرآنی را به عنوان نقشه‌ای جامع در برابر هر انسان آزاده‌ای قرار داده است. چرا که نیاز است انسان برای رسیدن به کمال واقعی، الگوی مناسبی در روابط با خدا، خود، دیگران و طبیعت داشته باشد. اما در حال حاضر شاهد نفوذ جهان‌بینی غیرتوحیدی و صرفاً مادی در دنیا و حتی جوامع اسلامی هستیم که به موجب این رویداد، تعاملات انسان با پیرامون خود از مسیر کمال واقعی خارج شده است. در سبک زندگی قرآنی و اسلامی، جنبه‌های مادی و معنوی زندگی انسان و سعادت‌مندی او در این جهان، برزخ و جهان آخرت مورد توجه قرار گرفته است. همچنین این نوع از سبک زندگی، چارچوب کاملی از زیست واقعی را به انسان‌ها معرفی می‌کند. همان‌گونه که آیات بی‌شماری برای تایید این موضوع وجود دارد (مودب و محمودی، ۱۳۹۳؛ رضازاده طاهری و یزدخواستی، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر پس از مسائل اعتقادی، مسائل اخلاقی و ارزش‌های انسانی از موضوعات مهمی است که در معارف اسلامی به آن پرداخته شده است. در این میان، مسائل اخلاقی به سه دسته اخلاق الهی، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی تقسیم می‌شود. در منابع دین اسلام، به ویژه قرآن کریم، توجه ویژه‌ای به رعایت اخلاق در اندیشه و عمل

شده؛ به گونه‌ای که تکامل اخلاقی فرد، خانواده و جامعه هدف اصلی سبک زندگی قرآنی و اسلامی قرار گرفته است (مصباح یزدی و اسکندری، ۱۳۸۳). همان‌گونه که پیامبر گرامی اسلام، کامل‌ترین مردم را از نظر ایمان، مردمی می‌داند که کامل‌ترین اخلاق را داشته باشند. همچنین حضرت علی (ع) در حدیثی فرموده‌اند که «اگر ما امید و ایمانی به بهشت و ترس و وحشتی از دوزخ و انتظار ثواب و عقابی نداشته‌ایم؛ شایسته بود به سراغ فضایل اخلاقی برویم؛ زیرا آن‌ها راهنمای نجات، پیروزی و موفقیت هستند» (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸). اخلاق یکی از مهم‌ترین بدیهی‌ترین مقولات دینی در اسلام است که به دلیل پیوستگی و هماهنگی با احکام و عقاید، زمینه تحقق اصول دینی را فراهم می‌کند. شهید مطهری، علم اخلاق را علم زیستن یا علم چگونه باید زیست، تعریف می‌کند که به موجب آن چگونه رفتار کردن را به ما می‌آموزد (فرهود، ۱۳۹۰؛ سعیدیان جزی، ۱۳۹۳).

در نظام اسلامی نیز، اخلاق به عنوان بخشی از دین آموخته می‌شود و این آموزه‌های اخلاقی می‌توانند در بستر خانواده به خوبی معرفی و نهادینه‌سازی شوند (رامین، ۱۳۹۳). خانواده در دین اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به گونه‌ای که منابع اسلامی به منظور سالم‌سازی جوامع انسانی، نگاه ویژه‌ای به سلامت نهاد خانواده دارند. همان‌گونه که در آیات قرآن کریم هم اشاره شده است؛ انسان‌ها در نهاد خانواده است که راه و رسم معاشرت، زندگی و اخلاق و آداب و رسوم اجتماعی را فرامی‌گیرند. لذا به وفور بر اهمیت خانواده و پیش‌آهنگی آن در تشکیل جامعه تاکید شده است (رضازاده طاهری و یزدخواستی، ۱۳۹۵). از توانایی‌های خانواده می‌توان به نقش این نهاد در شکل‌دهی باورهای دینی میان اعضای خانواده جهت حل معضلات پیش روی جامعه اشاره نمود. در اسلام، خانواده به عنوان سنگ‌بنای اجتماع تعریف می‌شود. زیرا اگر خانواده‌ها سالم و صالح باشند؛ می‌توان در آینده به جامعه‌ای سالم و استوار دست یافت. همچنین در معارف اسلامی اشاره شده است که در میان نهادهای اجتماعی، خانواده بزرگترین وظیفه و نقش را در تربیت و تکامل آدمی دارد. بنابراین می‌بایست این نیرو به گونه‌ای جهت‌دهی شود تا در بهترین مسیر قرار گیرد (رامین، ۱۳۹۳؛ حسن‌پور، بابایی سودانی و ذوالفقاری، ۱۳۹۵).

در عصر حاضر، خانواده با چالش‌های فراوانی مانند ترویج فرهنگ ناصحیح، فاصله‌های عاطفی و معنوی و کاهش سلامت روابط میان اعضای خانواده و درنهایت سستی بنیاد خانواده روبرو است (روزافزای، ۱۳۹۹). این چالش‌ها در ادامه می‌تواند موجب کاهش کارکرد بهینه افراد در جامعه باشد. لذا سوالی که برای اندیشمندان و اخلاق‌پژوهان مطرح شده این است که بشری که به طور فطری از خوبی‌ها و فضایل نیک و اخلاقی لذت می‌برد؛ چرا با تعصبات و یا جهالت‌های گوناگون، اسیر رذایل و زشتی‌های اخلاقی در جبهه‌ای مخالف با اندیشه‌های دینی شده و از سبک زندگی قرآنی فاصله گرفته است؟ و از آن‌جا که خانواده کانون اصلی تعلیم و تربیت انسان‌ها بوده؛ این انتظار وجود دارد که این کانون با تعریف اصول و گزاره‌های اخلاقی به رشد ارزش‌های اخلاقی اعضای خانواده، به ویژه در چارچوب شیوه‌های اسلامی و قرآنی کمک کند. در این میان سوال اصلی پژوهش حاضر این است که به کارگیری آموزه‌های اخلاقی به شیوه اصولی در خانواده، چقدر و چگونه بر ترویج سبک زندگی قرآنی جامعه اثرگذار است؟

۲. مرور پیشینه‌ها

در این بخش به مرتبط‌ترین منابع داخلی در چارچوب اهداف مطالعه حاضر می‌پردازیم.

در مطالعه‌ای از سعیدیان جزی (۱۳۹۳)، اصول و ارزش‌های اخلاقی در نهاد خانواده براساس آموزه‌های وحیانی و سیره اهل بیت (ع) مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج مطالعه نشان داد که دین اسلام، مجموعه‌ای از احکام و

مسائل اخلاقی بوده که در قالب تعالیم وحی از سوی خداوند نازل شده است. با این تفاسیر راهنمایی‌های اخلاقی در اسلام مصون از خطا بوده و حتی احکام اخلاقی آن می‌تواند راه تحقق کمال انسانی را تضمین کند.

از سوی دیگر در مطالعه‌ای کتابخانه‌ای از رضازاده طاهری و یزدخواستی (۱۳۹۵) سبک زندگی فردی و اجتماعی براساس آموزه‌های اخلاقی قرآن و سیره پیامبر (ص) مورد ارزیابی قرار گرفته است. در بخش نتایج مشخص شد که سبک زندگی فردی به دو حوزه کردار اخلاقی و گفتار اخلاقی تقسیم می‌شود که کردار اخلاقی اشاره به فضایل و رذایل اخلاقی داشت. همچنین در سبک زندگی اجتماعی به اجرای اقداماتی چون ارتباط با عموم مردم و رابطه با همسایگان، دوستان و خانواده (به طور خاص) که شامل ارتباط با والدین، همسر و فرزندان است؛ در سایه آموزه‌های اخلاقی قرآن و سیره پیامبر (ص) اشاره شد.

راستگو و سلیمی (۱۳۹۶) در نگرشی دیگر، پژوهشی را با هدف بررسی کاربرد رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای در کشف آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در آیات قرآن مجید انجام داده‌اند. بررسی‌ها نشان داد که متن بی‌بدیل قرآن، ترکیب و ساختار زبانی و آرایه‌های ادبی محض نیست؛ بلکه در این کلام آسمانی، علاوه بر عالی‌ترین مفاهیم حقیقی اخلاقی، ژرف‌ترین آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در لایه‌های مختلف زبانی به کمک اختیارات زبانی مانند واج‌آرایی، جایگزینی واژگانی، ذکر و حذف، تقدیم و تاخیر، استعاره و غیره مفهوم‌سازی شده است.

در مطالعه‌ای از خارستانی و سیفی (۱۳۹۸) نیز، جایگاه خانواده در سبک زندگی اسلامی و ایجاد حیات طیبه از منظر قرآن کریم به روش توصیفی-تحلیلی مورد ارزیابی و واکاوی قرار گرفته است. نتایج بررسی‌ها نشان داده است که سبک زندگی مطلوب از منظر قرآن کریم، همان حیات طیبه یا زندگی پاکیزه است. در این میان، سبک زندگی قرآنی در خانواده شامل همه حوزه‌های اعتقادی، اخلاقی، عاطفی، عقلانی، اقتصادی و اجتماعی است که به هر یک از این ابعاد در آیات قرآن اشاره شده است.

از سوی دیگر حسن‌زاده تبریزی (۱۳۹۹) پژوهشی را با هدف بررسی لزوم انتخاب سبک زندگی قرآنی و اثر آن در سلامت خانواده انجام داده است. این ضرورت با بیان دلایل عقلی و نقلی به اثبات رسید و اشاره شد که معیارهای دین‌داری، فضایل اخلاقی، عدالت و محبت و همتایی از مهم‌ترین پارامترها در حفظ بنیان خانواده از نگاه قرآن کریم هستند. در پایان نیز چنین نتیجه‌گیری شد که دین اسلام که تجلی آن را می‌توان در قرآن و زندگی معصومین مشاهده کرد؛ جامع‌ترین منبع برای هدایت انسان راه گم‌کرده امروز است و می‌تواند پاسخگوی سوال‌های بشر در حوزه سبک زندگی باشد.

در پژوهشی دیگر، رحمتی، رحمتی کزاز و حاجی آقاجانی (۱۴۰۰) با روش کتابخانه‌ای و نگرش توصیفی و با تکیه بر آیات قرآن کریم، اصول و شاخصه‌های سبک زندگی قرآنی را مورد ارزیابی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که سبک زندگی قرآنی، یعنی زندگی برآمده از آموزه‌های قرآنی که جامعه را به سمت زیست قرآنی هدایت می‌کند؛ ریشه در ارزش‌های الهی دارد. بدین معنی که در نگرش قرآنی، انسان موجودی است با ماموریت و مسئولیت الهی برای بازسازی و عمران و آبادانی زمین تا بتواند به کمال شایسته و بایسته و وظیفه خطیر خلافت الهی دست یابد.

بررسی منابع پیشین نشان داد که هرچند تاکنون درخصوص شاخص‌های اخلاقی خانواده، سبک زندگی قرآنی و سبک زندگی اسلامی پژوهش‌های مستقلی صورت گرفته و یا حتی در مواردی ضرورت سبک زندگی قرآنی در بستر خانواده بررسی شده است؛ اما پژوهشی که به نقش آموزه‌های اخلاقی خانواده در توسعه سبک زندگی قرآنی یا

اسلامی پرداخته باشد؛ یافت نشد. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی جایگاه آموزه‌های اخلاقی در خانواده جهت ترویج سبک زندگی قرآنی اجرا شده است.

۳. روش پژوهش

مطالعه حاضر با روش تحلیلی- استادی به بررسی متون مرتبط با نقش آموزه‌های اخلاقی خانواده در ترویج سبک زندگی قرآنی پرداخته است. بدین منظور کلیدواژه‌های موضوعاتی چون آموزه‌های اخلاقی خانواده، آموزه‌های اخلاقی اسلامی، سبک زندگی قرآنی، سبک زندگی اسلامی و بعد اخلاقی نظام تعلیم و تربیت در سه پایگاه اطلاعاتی داخلی از قبیل بانک اطلاعات نشریات کشور^۱، بانک مقالات علوم اسلامی و انسانی نور^۲ و مرجع دانش^۳ مورد جستجو قرار گرفت. همچنین در ادامه به منظور دستیابی به نتایجی جامع، تلاش شد تا با به کارگیری تکنیک زنجیره استنادی^۴، مآخذی از متون استخراج شده که ارتباطی با اهداف پژوهش حاضر داشتند اما به هر دلیلی در زمان جستجو، شناسایی نشده بودند؛ با جستجوی مجدد عنوان و یا پدیدآور(ان) آن‌ها بازیابی و مورد مطالعه قرار گیرند. با چنین رویکردی، پس از بررسی چکیده و متن کامل متون استخراج شده، مرتبط‌ترین منابع گزینش و مورد واکاوی قرار گرفتند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. تبیین مفهوم خانواده در جامعه اسلامی

خانواده طبیعی‌ترین و قدیمی‌ترین نهاد اجتماعی است که هدف اصلی آن تامین سلامت روانی اعضا و ایجاد آمادگی برای رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است. در درون این واحد اجتماعی، پدر و مادر از همان آغاز به عنوان الگوی فرزندان شناخته می‌شوند. به گونه‌ای که باورها، عادت‌ها، تمایلات و اهداف والدین از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر اعضای خانواده به شمار می‌روند و اینجاست که نقش و اهمیت خانواده در بهسازی وضعیت زندگانی بشر آشکار می‌شود (فاضلی و انصاری‌مقدم، ۱۳۹۸). خانواده در لغت به معنی خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند و فامیل است و معادل آن در زبان عربی واژه «أسره» است. از اولین جامعه‌شناسانی که نگاه علمی به خانواده داشتند می‌توان به «فردریک لویله» از فرانسه و «ویلهلم هاینریش ریل» از آلمان اشاره کرد و هر دو را می‌توان پدران جامعه‌شناسی خانواده نامید که در اوج انقلاب صنعتی اروپا شاهد فروپاشی خانواده با تحولات آزادی‌خواهانه بودند (مودب و محمودی، ۱۳۹۳).

^۱Magiran

^۲Noormags

^۳Civilica

^۴Citation Chain

^۵Fredric Le play

^۶Wilhelm Heinrich riehl

در تعریفی جامع از خانواده توسط وزارت آموزش اوتاریو اشاره شده که خانواده عبارت است از «یک واحد اجتماعی متشکل از افراد متعامل که تعهداتی را انجام می‌دهند، مسئولیت می‌پذیرند، از یکدیگر مراقبت می‌کنند، جامعه‌پذیر می‌شوند، ارزش‌های فرهنگی و دینی را منتقل می‌کنند و با یکدیگر در منابع سهیم هستند» (مودب و محمودی، ۱۳۹۳). قرآن مجید نیز خانواده را نهادی مقدس و مبتنی بر چند رکن معنوی مانند آرامش و سکون، عشق و دوستی، مهربانی و شفقت و همیاری می‌داند و از نگاه قرآن، در آیه ۲۱ سوره روم، خانواده به نوعی مدرسه محبت و دوستی است؛ به گونه‌ای که فرموده: «از خود شما جفت‌هایی برای شما آفرید تا نزد ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت. همانا در این نشانه‌هایی است برای آنان که می‌اندیشند» (رضازاده طاهری و یزدخواستی، ۱۳۹۵). بعلاوه سه شاخص عمده خانواده که این نهاد را از دیگر کانون‌ها و نهادهای اجتماعی متمایز می‌کند؛ عبارتند از: ارزشی بودن، عاطفی بودن و پنهانی بودن حریم خانواده (اسدی و ذبیحی، ۱۳۹۴). اما در این میان آنچه سبب قوام و تقویت بنیان خانواده می‌شود؛ اصول و ارزش‌های اخلاقی است که از سوی این نهاد در قالب مقولات و آموزه‌های اخلاقی و اسلامی معرفی می‌شود. بی‌شک چنین رویکردی از سوی خانواده به تقویت ضمانت اجرایی اصول دینی کمک خواهد کرد.

۴-۱-۱. تعیین نقش خانواده در ترویج ابعاد اخلاق تربیتی

همان‌گونه که اشاره شد؛ از توانمندی‌های خانواده، شکل‌دهی و معنابخشی باورهای دینی در بین اعضای خانواده است که می‌تواند در حل معضلات پیش‌روی خانواده و جامعه بسیار موثر باشد. بنابراین نخستین محیط برای تعلیم و تربیت افراد، کانون خانواده است. به عبارت دیگر سنگ‌بنای اخلاق انسانی در این نهاد گذاشته می‌شود؛ با این هدف که فضایل اخلاقی در این محیط رشد کند. لذا نیاز است که در هر جامعه، نخست محیط خانواده به فضایل اخلاقی آراسته شود تا زمینه رشد و بالندگی و کارآمدی خانواده و جامعه فراهم گردد.

اخلاق در خانواده به معنی وظایف اخلاقی هر یک از اعضای خانواده، یعنی پدر و مادر و فرزندان نسبت به یکدیگر است و اشاره به حوزه‌های مختلف اخلاق کاربردی مانند اخلاق ازدواج، اخلاق همسرمداری، اخلاق جنسی، اخلاق مادری، اخلاق مدیریت و اخلاق تربیتی دارد (رامین، ۱۳۹۳). که در این مطالعه به طور خاص، به معرفی اخلاق تربیتی در خانواده می‌پردازیم.

از نظر لغوی، اخلاق جمع خُلق و به معنی خوی‌هاست. خُلق اشاره به مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و سرشت‌هایی دارد که با وجدان و بصیرت شناخته شده و درک و استنباط می‌شود (مهارتی، برومند و لقمانی، ۱۳۹۳). از این رو «دانش بررسی و ارزش‌گذاری بر خوی‌ها و رفتارهای آدمی، علم اخلاق نامیده می‌شود» (فرهود، ۱۳۸۹). بعلاوه واژه اخلاق معانی متعددی دارد. به گونه‌ای که گاهی به معنای خلق‌و‌خو به کار گرفته می‌شود و در جای دیگر اشاره به دانشی دارد که از حسن و قبح و یا خوبی و بدی رفتار بحث می‌کند. (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵؛ مهارتی و همکاران، ۱۳۹۳). در تعریفی جامع از اخلاق اشاره شده است که «اخلاق مجموعه‌ای از اصول و ارزش‌هایی است که رفتار انسان را تنظیم می‌نماید و تعالیم وحی [در ادیان مختلف] آن‌ها را تعیین فرموده و جهت تحقق هدف وجود انسان در کره خاکی، اصول و ضوابطی را برای آن‌ها قرار داده است» (سعیدیان جزی، ۱۳۹۳).

اخلاق خانواده نیز ارتباط نزدیکی با علوم شناختی و روانشناسی دارد و وابسته به مکاتب و نظریات متعدد اخلاقی است. در یک دسته‌بندی جامع، سه نظریه مهم در حوزه اخلاق تحت عناوین وظیفه‌گرایی^۷، نتیجه‌گرایی^۸ و فضیلت‌گرایی^۹ ارائه شده است (ویلیامز، ۱۳۸۳). لازم به ذکر است که این نظریه‌های اخلاقی در بعد کاربردی و هنجاری نمود پیدا می‌کنند.

نظریه وظیفه‌گرا

وظیفه‌گرایی یعنی کشف اعمال درستی که شخص باید برای فراهم آوردن و ایجاد خیر و خوبی انجام دهد. نظریه وظیفه‌گرا، درستی و نادرستی یک عمل را نشأت گرفته از ماهیت خود آن عمل می‌کند. نظریه‌های وظیفه‌گرا که غیر نتیجه‌گرا نیز نام دارند؛ با تمام تنوعی که دارند در این ادعا مشترک هستند که اخلاقی بودن یک عمل به ماهیت ذاتی آن عمل، انگیزه‌ها یا تطابق آن با یک قاعده یا اصل بستگی دارد و به هیچ وجه به نتایج عمل متکی نیست.

نظریه نتیجه‌گرا

اخلاق نتیجه‌گرا شامل اقداماتی است که بر هزینه و منافع نتیجه متمرکز بوده و هدف آن دستیابی به نتایج سودآور از این اقدامات است. نتیجه‌گرایی اشاره به نظریه‌هایی دارد که به نتایج و پیامدهای اعمال اشخاص توجه و نظر دارند و با این تفکر آغاز می‌شود که یکسری ارزش‌ها هستند که مقدم بر اخلاق بوده و به عبارتی حتی اگر درستی و نادرستی اخلاقی وجود نداشته باشد؛ همواره بعضی امور خوب و بعضی امور دیگر بد خواهند بود. به عبارت دیگر در چارچوب این نظریه، یک عمل اخلاقی زمانی صحیح است که فوایدش از پیامدهای منفی آن بیشتر باشد.

نظریه فضیلت‌گرا

واژه فضیلت به معنی تعالی ترجمه می‌شود. فرد فضیلت‌گرا می‌خواهد اعمال درست و پذیرفته‌شده را انجام دهد و اخلاق فضیلت اشاره به این دارد که شخصیت اخلاقی یک فرد، نیروی محرک او برای بروز رفتار اخلاقی است. همچنین مبتنی بر دیدگاه ارسطو، در نظریه فضیلت‌گرا به جای تمرکز بر نتایج کنش‌های افراد یا وظایف آنان، تاکید اصلی بر ویژگی‌های اخلاقی تصمیم‌گیرندگان است. چرا که نظریه‌های نتیجه‌گرا و وظیفه‌گرا عمل‌محور هستند، اما در نظریه فضیلت‌گرا عاملیت محور اصلی به حساب می‌آید. لذا تمرکز بر شخصیت و کیفیت اخلاقی افراد است و افرادی از نظر اخلاقی شریف معرفی می‌شوند که در چارچوب قوانین تعیین شده خیرخواهانه و خوب عمل می‌کنند. براساس این نظریه، اعمال خوب از افراد خوب حاصل می‌شود و نیاز است که آموزش کنشگران اجتماعی در چارچوب ترویج اخلاق باشد (ویلیامز، ۱۳۸۳).

با این تفاسیر ابعاد اخلاقی که نیاز است در نهاد خانواده رواج یابند؛ بیشتر رویکردی از نوع نظریه فضیلت‌گرا دارند. بدین معنا که منش اخلاقی اعضای خانواده به جای تمسک به قوانین از منابع روانشناختی تربیتی یا تمایلات و

^۷Deontology

^۸Consequentialism

^۹Virtueism

^{۱۰}Williams

انگیزه‌های درونی آنان حاصل می‌شود و هدف آنان کسب لذت و قدرت و یا انجام وظیفه نیست؛ بلکه به دنبال خوبی‌ها و ارزش‌های اجتماعی هستند.

در اخلاق تربیتی نیز هدف اصلی فراهم‌آوری و به کار بستن زیرساخت‌ها و سازوکارهای آموزشی و پژوهشی به منظور شناساندن فضایل و رذایل اخلاقی و در ادامه گرایش به اخلاق حسنه و ارزش‌های اخلاقی است تا زمینه دستیابی به سعادت و کمال جاودانه فراهم گردد و هدف اصلی از اخلاق تربیتی در خانواده، ترویج شیوه‌هایی برای شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها و آداب اخلاقی و در مقابل اصلاح یا حذف رفتارهای غیراخلاقی در انسان است. همچنین در اخلاق تربیتی خانواده نیاز است که فرآیند تربیت از سوی والدین، مستمر و در عین حال تدریجی باشد. چرا که همانند زمان‌بر بودن فرآیند ثمر دادن یک درخت، نمی‌توان انتظار داشت که نتیجه تربیت اخلاقی بالفعل بروز کند؛ بلکه باید منتظر ثمره آن در آینده باشیم (رامین، ۱۳۹۳). بنا به گفته اخوی (۱۳۹۰)، تربیت اخلاق در خانواده به معنی «فراهم نمودن زمینه‌ای است برای واقعیت یافتن نیکی طبیعت انسان و پیدا شدن و به کار آمدن وجدان اخلاقی فرد؛ تا با تکیه بر درون‌مایه‌های فطری خویش، آنچه خیر و فضیلت است کشف کند». از جمله آموزه‌های اخلاقی- تربیتی خانواده که در قرآن کریم نیز به آن‌ها اشاره شده؛ عدالت رفتاری و عدم تبعیض، حفظ عزت نفس والدین و فرزندان، پرهیز از نگاه لذت جویانه صرف به زن، حق مادی فرزند بر پدر، جایگاه والای دختر و غیره است (راستگو و سلیمی، ۱۳۹۶). در ادامه در یک دسته‌بندی جامع به معرفی انواع آموزه‌های اخلاقی که نیاز است در نهاد خانواده مورد توجه قرار گیرند؛ پرداخته شده است.

۴-۱-۲. معرفی آموزه‌های اخلاقی ضروری در شکل‌گیری خانواده اسلامی

نهاد خانواده، بهترین محیط برای آموزش آموزه‌های اخلاقی خانواده به فرزندان است. نتایج بررسی متون نشان داد که برای تمامی جنبه‌های زندگی خانوادگی، آموزه‌های اخلاقی متنوعی در روابط درون خانواده تعریف شده است که پایبندی به آنان می‌تواند ضمن افزایش کارآمدی خانواده، پایبندی به سبک زندگی قرآنی و اسلامی را هموار سازد که در اینجا آموزه‌های اخلاقی مذکور در ۱۲ دسته کلی به ترتیب معرفی خواهند شد.

۴-۱-۲-۱. مودت و رحمت

از مهم‌ترین آموزه‌های اخلاقی در خانواده، مودت و رحمت میان اعضای خانواده است. کلمه مودت که ۶ بار در قرآن کریم تکرار شده، اشاره به محبتی دارد که اثرش در عمل ظاهر می‌شود (حسین‌علوی، همت‌بناری و علوی‌مهر، ۱۳۹۹). در خانواده نیز نیاز است که مودت و رحمت به معنای دوستی و محبت آشکار و فراتر از قلب، بلکه در زبان و عمل و به عنوان ارکان تربیتی مورد توجه قرار گیرد.

محبت و مهرورزی از نشانه‌های سلامت روحی و عقلی انسان است و چنانچه در نهاد خانواده رواج یابد؛ می‌تواند نمود عینی برخورداری اعضا از سلامت معنوی و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی باشد که در ادامه انسجام و استحکام خانواده را به همراه خواهد داشت (سعیدیان جزی، ۱۳۹۳). به عبارت دیگر هرچند لازمه ایجاد خانواده، رعایت حقوق متقابل زوجین در برابر یکدیگر است؛ اما استمرار این روابط نیازمند مودت و رحمتی است که می‌بایست میان اعضای خانواده ترویج یافته و نهادینه شود. علاوه بر این، ارزش مودت به قدری بالاست که قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره شوری، رسالت پیامبر اکرم (ص) را مودت اهل بیت می‌داند (حسین‌علوی و همکاران، ۱۳۹۹). از نظر اسلام نیز، محبت بیشترین نقش را در ایجاد جامعه آرمانی با تفکرات انسانی دارد. همچنین در خانواده‌ای که مودت و رحمت

حرف اول را می‌زند؛ اعضا با آرامش، آسایش و علاقه با یکدیگر زندگی می‌کنند و فرزندان به گونه‌ای هدفمند تربیت می‌شوند. حتی در برخی از احادیث و روایات اشاره شده؛ زمانی که خداوند خیر خانواده‌ای را بخواهد، خوش اخلاقی و مهرورزی در زندگی را روزی آنان می‌گرداند (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸؛ مودب و محمودی، ۱۳۹۳).

۴-۲-۱. احترام متقابل

احترام در لغت به معنی بزرگداشت و حفظ حرمت است. در یک خانواده متعالی نیز، اعضای آن با رعایت احترام متقابل و در کمال ادب با یکدیگر برخورد می‌کنند و با حفظ شأن یکدیگر، فضایی سرشار از شادی و نشاط را در مسیر رشد و تعالی خانواده فراهم می‌آورند. در برابر انواع احترام‌ها در خانواده؛ احترام متقابل زوجین، احترام به والدین و احترام به فرزندان از جایگاه بالایی برخوردار است (پورمحمدی، آخوند و اخلاقی، ۱۳۹۹). همان گونه که قرآن کریم پس از فرمان پرستش خداوند، نیکی به پدر و مادر را سفارش کرده است و همچنین احترام به فرزندان، انتخاب نام نیکو و عدالت و محبت میان آن‌ها نیز به کرات در آیات و روایات آمده است (خارستانی و سیفی، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر بی‌احترامی به اعضای خانواده موجب می‌شود که در آنان احساس حقارت شکل گیرد و در ادامه زمینه‌ساز ناکارآمدی و مانعی بر سر راه کمال و بالندگی افراد خانواده باشد. در تایید این نکته امام علی (ع) می‌فرماید: «انسانی که حقارت نفس پیدا کرده، دیگر انتظار خیر از او نمی‌رود و کسانی که نفسشان پست و خوار باشد، به خیرشان امیدی نداشته باش» (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸).

۴-۲-۳. توکل و ایمان به خدا

توکل به خداوند بدین معناست که انسان تدبیر امور خود را به خالق واگذار کند. در خانواده نیز با تقویت باور به خداوند، همه رفتارها و زندگی افراد به سوی کسب رضای الهی سوق داده می‌شود. چراکه خانواده همواره در مسیر زندگی، با مشکلات متعدد اقتصادی، سلامتی و یا اجتماعی مواجه می‌شود. بی‌شک در چنین شرایطی توکل به خداوند به تقویت اراده اعضای خانواده و تلاش بیشتر آن‌ها کمک می‌کند. لذا در عمل نیز هنگام اجرای وظایف خانوادگی تلاش می‌کنند که رضایت خانواده را جلب نمایند. با این تفاسیر توکل به خداوند از آثار ایمان به خداست که می‌تواند به خانواده در برابر مشکلات یاری رساند و قوت قلب آنان باشد. همان گونه که اشاره شده «توکل، پیوندگاه با حیات حق تعالی و تکیه‌گاه حیات طیبه است» (خارستانی و سیفی، ۱۳۹۸؛ فاضلی و انصاری مقدم، ۱۳۹۸).

۴-۲-۴. شکر نعمت و قدردانی

از دیگر آموزه‌هایی که در فرهنگ خانواده اسلامی بر آن تاکید شده؛ شکرگزاری و قدردانی بابت نعمت‌های الهی است. زیرا هدف این است که انسان‌ها به درجه‌ای از یقین برسند که در هر حالی یعنی آرامش و یا تنش‌های درونی و بیرونی، شکر خدا را به جای بیاورند. بعلاوه قدردانی و سپاسگزاری در محیط خانواده نیز از دیگر آموزه‌های اخلاقی است که رویکرد دوجانبه میان اعضای خانواده دارد. قدردانی و سپاسگزاری بازتاب عاطفی محبت و خوش اخلاقی است و نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت صمیمیت میان اعضای خانواده دارد (فاضلی و انصاری مقدم، ۱۳۹۸). لذا این امر از وظایف اخلاقی افراد خانواده تلقی می‌شود که می‌بایست از همان ابتدا میان آن‌ها نهادینه شود.

۴-۱-۲-۵. صبر و شکیبایی

صبر داشتن به معنی برخورداری از توانایی و قدرت روحی کافی برای استقامت در برابر موانع و مشکلات و دستیابی به هدف و مقصد خویشتن است. انسان‌های صبور، آرامش، امید و تلاش را بر جو خانواده حاکم می‌کنند و پشتیبان یکدیگرند. در بسیاری از منابع دینی نیز، صبر و پیروزی قرین هم شمرده شده‌اند. خداوند صبر و شکیبایی را عامل اصلی افزایش توانایی و نیرو برای مقابله با سختی‌ها معرفی کرده است. به گونه‌ای که ۷۰ آیه در قرآن برای صبر و اثرات آن بر زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی نازل شده است و مفسران معتقدند که هیچ فضیلت اخلاقی در اسلام، به میزان صبر و شکیبایی مورد توجه قرار نگرفته است. در خانواده نیز گاهی ناکامی‌ها و مشکلاتی رخ می‌دهد که پاسخگویی به آن‌ها و برطرف کردن این موانع بی‌شک نیازمند صبر و گذشت زمان است. در چنین شرایطی اگر اعضای خانواده، اصل صبر و خویشتنداری را سرلوحه تفکرات و اعمال خود قرار ندهند؛ به شدت آسیب می‌بینند، کل اعضای خانواده درگیر مشکل و شرایط موجود خواهند شد و نتیجه روانی در برابر این فشارها، آشفتگی روانی است. (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸؛ سعیدیان جزی، ۱۳۹۳). در صورتی که هر یک از اعضا می‌توانند با انتخاب مسیر صبر و تأمل به موفقیت و کارآمدی خانواده و حتی در ادامه کارآمدی جامعه انسانی کمک کنند.

در همین راستا در قرآن اشاره شده که صبر، عامل پیروزی مجاهدان است. البته ثمره صبر تنها منحصر به جبهه جنگ و مجاهدان نیست؛ بلکه انسان در تمامی عرصه‌های زندگی نیاز به صبر و مقاومت دارد تا به پیروزی برسد. پیروزی در خانواده نیز، بنا به توصیه دین اسلام بدین معناست که انسان با تشکیل خانواده کارآمد به کمال و بالندگی برسد (خارستانی و سیفی، ۱۳۹۸). از سوی دیگر اشاره شده که این اصل اخلاقی به پشتوانه اخلاق مذهبی نیاز دارد. همان‌گونه که خداوند در آیه ۱۱۱ سوره مومن می‌فرماید: «من امروز پاداش صبرکنندگان را می‌دهم و آنان رستگارانند» (سعیدیان جزی، ۱۳۹۳).

۴-۱-۲-۶. خوش خلقی

خداوند یکی از شاخص‌های اخلاقی خانواده متعالی را خوش خلقی اعضای آن معرفی کرده است. به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) همواره به حسن خلق خانوادگی اهمیت فراوان می‌دادند. خوش خلقی و خوش رویی میان اعضای خانواده، تضمین‌گر آرامش و گرمی کانون خانواده است؛ به گونه‌ای که پایه‌های این نهاد را محکم می‌سازد. لذا بیان زیبا و جملات محبت‌آمیز همواره می‌بایست میان افراد خانواده تداوم داشته باشد (پورمحمدی، آخوند و اخلاقی، ۱۳۹۹). در قرآن کریم نیز در آیه ۱۹ سوره نساء اشاره شده که «با همسران خود به نیکی رفتار کنید». همچنین در نظام اخلاق اسلامی بر اصل حسن خلق و حسن معاشرت در کانون خانواده تاکید شده است و امام رضا (ع) فرموده‌اند: «در قیامت آن کس به من نزدیک‌تر است که در دنیا خوش‌اخلاق‌تر و نسبت به خانواده خود نیکوتر باشد» (فاضلی و انصاری‌مقدم، ۱۳۹۸). بنابراین حسن خلق و خوش‌اخلاقی یکی از گزاره‌های مهم و بنیادی اخلاق اسلامی در نهاد خانواده است و اثربخشی مثبتی بر روابط میان اعضای خانواده دارد.

۴-۱-۲-۷. وفاداری و امانت‌داری

از دیگر آموزه‌های اخلاقی که می‌بایست مورد توجه اعضای خانواده باشد؛ وفاداری و امانت‌داری است. این اصل و گزاره اخلاقی در نظام اسلامی بسیار مورد توجه و تاکید قرار گرفته است و اشاره شده که مقوله وفاداری و امانت‌داری در راستای روابط اجتماعی متعارف میان مومنان و در قلمرو رابطه انسان با خدا معنای ویژه‌ای دارد. اصل وفاداری و

امانت‌داری از اصول بنیادی اخلاق در نهاد خانواده است و در آموزه‌های وحیانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به‌گونه‌ای که در زمان ازدواج، زن و شوهر عهد می‌بندند که به یکدیگر خیانت نکنند و در هر موقعیتی یار و غمخوار و حافظ یکدیگر باشند. همچنین می‌توان ادعا نمود که پایبندی به این اصل در سایه دو مقوله اخلاص و ایمان محقق می‌شود. چرا که «ایمان زمینه تجلی کشش‌های فطری را فراهم می‌کند». البته وفاداری و پایبندی به اصول خانواده، مستلزم اعتماد زوجین و دیگر اعضای خانواده به یکدیگر است و از راهکارهای نظام اخلاق اسلامی برای تقویت اصل وفاداری و امانت‌داری، تقوا و پرهیزکاری و پایبندی به عفت و پاک‌دامنی از سوی تمامی اعضای کانون خانواده است (فاضلی و انصاری‌مقدم، ۱۳۹۸).

۴-۲-۸. عدالت‌ورزی

عدل در مقابل ظلم و به معنای «موزون بودن در مقابله با بی‌تناسبی» است (سعیدیان جزی، ۱۳۹۳). در این میان اصلی که به برقراری مداوم صلح و آرامش در کانون خانواده کمک خواهد کرد؛ اصل عدالت‌ورزی است (روزافزای، ۱۳۹۹). مساله عدالت و عدالت‌ورزی از موضوعات مهمی است که در جای جای قرآن کریم به آن اشاره شده و از آموزه‌های اخلاقی تاثیرگذار بر سلامت نهاد خانواده است. چرا که اگر شاهد بی‌عدالتی در نهاد خانواده و به دنبال آن در جامعه باشیم؛ زمینه نارضایتی انسان‌ها و دوری و دل‌سردی آن‌ها از یکدیگر فراهم می‌شود (حسن‌زاده تبریزی، ۱۳۹۹).

از سوی دیگر نگاه قرآن کریم بر زن و شوهر در زمینه توجه به حقوق و مسائل زن و مرد، نه از نوع مردسالارانه و نه از نوع زن‌مدارانه است. بلکه نگاهی از جنس انسان‌محوری دارد. زیرا هر دو مکمل یکدیگر بوده و به هم پیوند خورده‌اند. بنابراین در یک خانواده پیشرفته و مطلوب، عدالت‌ورزی به گونه‌ای است که حقوق و مسئولیت‌های مرد و زن نخست هماهنگ با ساختار روحی و جسمی آنان بوده، دوم همراستا با اهداف خانواده و سوم آنان را به سعادت دنیا، برزخ و آخرت برساند (مودب و محمودی، ۱۳۹۳).

۴-۲-۹. همکاری، همدلی و مسئولیت‌پذیری

در سبک زندگی خانوادگی، همکاری و احساس مسئولیت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر از مهم‌ترین وظایف به حساب می‌آید. به عبارت دیگر در یک خانواده متعالی، اصول اخلاقی به گونه‌ای پابرجاست که هر یک از اعضا نمی‌توانند فقط به فکر خود باشند؛ بلکه برای رسیدن به سعادت باید به خانواده اهمیت داده و به عبارتی مسئولیت‌پذیر باشند (حسن‌زاده تبریزی، ۱۳۹۹).

همچنین همدلی در خانواده به معنای درک اعضای خانواده در شرایط گوناگون و پی بردن به زاویه دید آن‌هاست. در غیر این صورت اگر فردی در محیط خانواده خود را تنها ببیند و احساس کند دیگران برای او ارزش قائل نیستند؛ ممکن است دچار یاس و ناامیدی شود. بنابراین نبود همدلی ارتباط مستقیم با فروپاشی نظام خانواده دارد. در یک خانواده همدل و همراه، مصلحت زندگی تشخیص و بر منفعت شخصی ترجیح داده می‌شود. لازم به ذکر است که همدلی میان پدر و مادر می‌تواند الگوی قابل استنادی برای دیگر اعضای خانواده باشد و به کل خانواده در پیشبرد اهدافشان کمک کند. بنابراین در یک خانواده سالم و متعالی، بیش از آن که حقوق طرفین و یا جایگاه هر یک از افراد مطرح باشد؛ تمرکز بر ایجاد فضایی همراه با محبت و همدلی است. به همین دلیل در منابع اسلامی، تاکید فراوانی بر

همکاری و همدلی اعضای خانواده با یکدیگر شده است و توصیه شده که «آدمی بیش از هر کس نسبت به هدایت و سعادت خانواده خود مسئول است». (پورمحمدی، آخوند و اخلاقی، ۱۳۹۹).

۱-۴-۲-۱۰. مشورت و همنانیشی

مشورت و همنانیشی از دیگر آموزه‌های اخلاقی در خانواده است که باعث ایجاد علاقه و احترام و تقویت ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر می‌شود. مشورت به معنی استفاده از تجارب و افکار دیگران بوده که در راهنمایی انسان برای دوراهی‌های امور زندگی بسیار مفید و اثربخش است. همان‌گونه که در منابع دینی توصیه شده؛ «امور خانواده از جمله مسائل فرزندان با مشاوره شایسته انجام می‌گیرد» و از سوی دیگر نتیجه مشورت میان اعضای خانواده را تحکیم روابط نظام خانواده می‌دانند (خارستانی و سیفی، ۱۳۹۸).

۱-۴-۲-۱۱. تدبیر و هوشیاری

از دیگر آموزه‌های اخلاقی خانواده که در دین اسلام بر آن تاکید شده؛ برخورداری از آگاهی و هوشیاری جهت درک مشکلات و موانع و اتخاذ بهترین تصمیم برای استفاده از امکانات و دستیابی به اهداف است. در نظام اخلاقی اسلام نیز اصل تدبیر و هوشیاری اعضای خانواده، تابع گزاره‌های دینی است. زیرا همان‌گونه که در آیه ۴۳ سوره عنکبوت اشاره شده؛ اسلام همواره انسان‌ها را دعوت به عاقلانه زیستن و آگاهانه عمل کردن می‌کند. از مصادیق به کارگیری آموزه‌های تدبیر و هوشیاری در کانون خانواده، می‌توان به مواردی چون درک تفاوت‌های طبیعی و حقوقی زن و مرد در خانواده، مواجهه منطقی و آگاهانه با مشکلات خانوادگی، برخورداری از مهارت حل مساله، به کارگیری روش تفکر خلاق در تحقق اهداف خانواده و تقویت صمیمیت و یکدلی میان اعضای خانواده اشاره نمود. همچنین از نشانه‌های هوشیاری افراد کانون خانواده این است که اعضای آن مهارت عذرخواهی و پذیرش خطاهای خود را آموخته باشند و درصدد اصلاح خود و جبران گذشته‌اند (سعیدیان جزی، ۱۳۹۳). لذا اگر خانواده به این اصول اخلاقی توجه داشته باشد؛ بسیاری از این سوءتفاهم‌ها و مشکلات برطرف و در مقابل زمینه تفاهم و تعاون بیش از پیش فراهم خواهد شد.

۱-۴-۲-۱۲. صداقت و راستگویی

در روایات گوناگون به فضیلت اخلاقی راستگویی اهمیت زیادی داده شده است و اشاره شده که تمامی فضیلت‌های اخلاقی انسان از صداقت و راستی سرچشمه می‌گیرند. همان‌گونه که امام صادق (ع) راستگویی را به مانند نوری می‌داند که جهان اطراف خود را روشن می‌سازد. در قرآن کریم نیز اشاره شده است که صداقت و راستگویی در کارآمدی زندگی انسان‌ها به ویژه در کانون خانواده موثر است. مهم‌ترین پیامد راستی و صداقت میان اعضای خانواده، ایجاد حس اطمینان و اعتماد در کانون خانواده است و بالعکس زمانی که دروغ در روابط افراد خانواده حاکم باشد؛ به سرعت نفوذ و ارزش انسان‌ها از بین می‌رود و در ادامه می‌توان شاهد اختلال در کارآمدی خانواده شد (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸).

صداقت در حقیقت، یکتایی در گفتار و کردار است. در این راستا جهت دستیابی به روابطی سالم در خانواده باید روابط کلامی و زبان بدن افراد نسبت به یکدیگر واضح و شفاف باشد؛ تا دیگران دچار سردرگمی نشوند. به عبارت دیگر تمامی ابعاد روانشناختی فرد مانند ابعاد عاطفی، هیجانی، رفتاری و شناختی بیانگر یک موضوع باشند. برقراری چنین ارتباط صادقانه‌ای در کانون خانواده، به تقویت تعهد، شایستگی و خلاقیت اعضا کمک می‌کند؛ به گونه‌ای که در ادامه زمینه کمال و بالندگی کل خانواده را فراهم می‌سازد (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸).

والدین به عنوان نخستین الگوها در خانواده، زمانی که راستی و صداقت را پیشه کنند؛ بی‌شک فرزندان سالم، صالح و صادق تربیت خواهند کرد و در صورتی که صداقت در روابط خانوادگی حرف اول را بزند؛ مسیر فضیلت‌هایی چون یکدستی و صمیمت هموار خواهد شد (پورمحمدی، آخوند و اخلاقی، ۱۳۹۹). چرا که صدق و راستی سهم به سزایی در انسجام، صمیمیت و تقویت روابط خانوادگی دارند و اسباب رشد اخلاقی اعضا را فراهم می‌کنند.

۴-۲. تبیین مفهوم سبک زندگی

سبک زندگی، در متون انگلیسی با عبارت «Lifestyle» بیان می‌شود و البته برخی آن را با عبارات «شیوه زندگی» و یا «اسلوب زندگی» نیز ترجمه کرده‌اند. اصطلاح سبک زندگی برگرفته از دو واژه «سبک» و «زندگی» است. واژه سبک در لغت به معنی روش، شیوه، قاعده، راه و رسم، اسلوب و غیره است و برای کلمه زندگی مفاهیمی چون عمر، زندگانی، حیات، زیستن، معاش و غیره ارائه شده است. اما در یک نگرش کلی، اصطلاح «سبک زندگی» با سه رویکرد جامعه‌شناسی، روانشناسی و دین‌شناسی تبیین شده است. در رویکرد جامعه‌شناسی، نگاه توصیفی وجود دارد. بدین معنا که توجه به رفتار و نمودهای رفتاری، طبقه اجتماعی و هویت اجتماعی است. از سوی دیگر در رویکرد روانشناسی، مفهوم سبک زندگی از بعد ارزش‌ها، هتجارها، ریشه و منشأ رفتارها مورد توجه قرار می‌گیرد و با معانی شخصیت، منش و هویت به کار گرفته می‌شود و رویکرد دین‌شناسی بعد از تاکید مقام معظم رهبری بر ضرورت اصلاح سبک زندگی در افراد، گروه‌ها و جامعه ایرانی-اسلامی، مورد توجه جدی قرار گرفته است. به طور کلی سبک زندگی به ۲ سوال اساسی پاسخ می‌دهد که مردم چه انجام می‌دهند و چگونه انجام می‌دهند؟ این سوال‌ها در عرصه‌های مختلف سیاسی، شغلی، عمومی، ارتباطی، خانوادگی، اجتماعی و به طور کلی زندگی روزمره به کار گرفته می‌شود (کاویانی، ۱۳۹۶).

در تعریفی جامع از سبک زندگی اشاره شده است که «سبک زندگی شیوه نسبتاً ثابت افراد، گروه‌ها و جوامع برای پیگیری اهداف زندگی و حل مشکلات زندگی خویشان است» (کاویانی، ۱۳۹۶). بنابراین سبک زندگی را می‌توان «مجموعه‌ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد دانست که نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد؛ بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند، در برابر دیگران مجسم می‌سازد» (رضازاده طاهری و یزدخواستی، ۱۳۹۵). در قرن هفتم میلادی، آخرین و کامل‌ترین کتاب آسمانی با نام «قرآن» بر بشر نازل شد (رحمتی و همکاران، ۱۴۰۰) که دربرگیرنده جامع‌ترین سبک زندگی در تمامی حوزه‌های فردی، خانوادگی، ملی، بین‌المللی، محیط زیستی و غیره برای بشریت است. در ادامه به معرفی این نگرش تحت عنوان سبک زندگی قرآنی می‌پردازیم.

۴-۲-۱. تعیین رابطه سبک زندگی قرآنی با اهداف خانواده اسلامی

سبک زندگی قرآنی یا اسلامی بدین معناست که در ابعاد مختلف زندگی هر فرد، یعنی ابعاد شخصی و غیرشخصی (خانوادگی، اجتماعی و غیره)؛ قواعد، الگوها و معیارهای اسلامی نقش تاثیرگذار و مهمی دارند (فاضلی و انصاری‌مقدم، ۱۳۹۸). سبک زندگی اسلامی یا آداب اسلامی «رفتاری است که تحت آرمان عالی عبودیت قرار دارد». در سبک زندگی اسلامی، اخلاق مهم‌ترین و اساسی‌ترین رکن و زیربنای یک زندگی سعادتمند در خانواده تعریف می‌شود (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۵).

طبق نتایج مطالعه خارستانی و سیفی (۱۳۹۸)، سبک زندگی قرآنی در خانواده اسلامی، همه حوزه‌های دینی و اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی، عقلانی و اخلاقی را دربرمی‌گیرد. بدین منظور ضروری است که اعضای خانواده اسلامی با بهره‌گیری از این ابعاد در چارچوب سبک زندگی که قرآن سفارش نموده یعنی «حیات طیبه» عمل نمایند.

در سبک زندگی قرآنی که رویکردی متفاوت با زندگی غربی و مادی دارد؛ تلاش می‌شود که آموزه‌های قرآنی و اسلامی در زندگی بشر جاری شوند. چرا که در این شیوه از زندگی هدف این است که انسان برای زندگی خود، خانواده و جامعه تلاش و حرکت کند و از همه مهم‌تر بداند که بندگی چیست و براساس آن زندگی کند. بعلاوه در سبک زندگی اسلامی و دینی، عشق و انسانیت حرف اول را می‌زنند و در ادامه رفتار و کردار افراد، با تقواست که کنترل می‌شود (رحمتی و همکاران، ۱۴۰۰). در این میان خانواده جایگاه ارزشی رفیعی دارد و در آیات و روایات گوناگون بر تشکیل و تداوم این نهاد با هدف ترویج سبک زندگی قرآنی تاکید شده است. بنابراین اگر بخواهیم اسلام در جامعه نمود یابد؛ نیاز به پیاده‌سازی سبک زندگی اسلامی و قرآنی در خانواده داریم. سبک زندگی قرآنی برکات بسیاری برای خانواده به همراه دارد. الگوگیری از قرآن توسط اعضای خانواده، نقش کلیدی در شکل‌گیری جامعه دینی دارد. چرا که قرآن، روش بهتر زیستن را به خانواده ارائه می‌کند و در صورتی که شواهد نشان داده که دستاوردها و قواعد ساخته ذهن بشر در بسیاری از موارد محدود به زمان و مکان بوده است. لذا اینجاست که می‌توان به نقش کلیدی سبک زندگی قرآنی جهت روشن نمودن بهترین مسیر دستیابی به اهداف بشریت تاکید نمود.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

خانواده، کانون اصلی پرورش اصول تربیتی و آموزه‌های اخلاقی است. به عبارت دیگر، آموزش مهارت‌های زندگی و فضایل اخلاقی، جهت رساندن انسان به سعادت فردی در خانواده و جامعه امری ضروری است که خانواده با رشد فکری و اخلاقی اعضای خود زیر سایه تعلیم و تربیت اسلامی می‌تواند مسیر دستیابی به جامعه متعالی را تسریع و تسهیل بخشد. در این میان اگر اصول اخلاقی در خانواده به خوبی به فرزندان آموزش داده شود؛ می‌تواند همسو با نظام معرفتی و گزاره‌های دینی بوده و ضامن تحقق سبک زندگی دینی و قرآنی باشد. همان‌گونه که اشاره شد؛ سبک زندگی قرآنی در دین اسلام، نشأت گرفته از احکام و عقاید اخلاقی بوده و بخش اعظم آن در قالب تعلیم وحی از سوی پروردگار نازل شده و به گونه‌ای مصون از خطا و محدودیت زمانی و مکانی است. لذا به کارگیری این آموزه‌های اخلاقی در خانواده به شیوه‌ای اصولی، مسیر تحقق کمال انسانی اعضای خانواده را هموار می‌گرداند.

در این میان از بسترهای مناسب جهت تقویت آموزه‌های اخلاقی قرآنی-اسلامی در خانواده، الگوسازی است. زیرا الگوسازی مهم‌ترین روش یادگیری از طریق مشاهده و تقلید است. همچنین بسیاری از آموزه‌های اخلاقی در چارچوب اخلاق دینی هستند؛ پس می‌بایست جهت پیاده‌سازی آن‌ها از آداب اسلامی الگوبرداری شود تا به سبک زندگی قرآنی نزدیک شوند. همان‌گونه که در مطالعه حاضر اشاره شد؛ از رسالت‌های اخلاقی هر خانواده پیاده‌سازی آموزه‌هایی مانند مودت و رحمت، احترام متقابل، توکل و ایمان به خدا، شکر نعمت و قدردانی، صبر و شکیبایی، خوش‌خلقی، وفاداری و امانت‌داری، عدالت‌ورزی، همکاری، همدلی و مسئولیت‌پذیری، مشورت و همدلی، تدبیر و هوشیاری و صداقت و راستگویی با رویکرد فضیلت‌گرایی است. بنابر شواهد موجود، تمامی آموزه‌های اخلاقی مذکور دارای تفکر قرآنی-اسلامی هستند. به عبارت دیگر شامل قواعد و شیوه‌هایی هستند که در چارچوب سبک زندگی

قرآنی جای می‌گیرند. لذا اگر خانواده‌ها و به طور ویژه والدین، در فرآیند تعلیم و تربیت و اجرای آموزه‌های اخلاقی، اصول و آداب اسلامی را سرلوحه و الگوی خود قرار دهند؛ نقش به سزایی در ترویج سبک زندگی قرآنی در جامعه خواهند داشت. بی‌شک با چنین نگرش و عملکردی، شاهد نتایج مثبت دوسویه در جامعه خواهیم بود. چرا که با این الگوبرداری، از یک سو به رشد معنوی و اخلاقی خانواده‌ها کمک می‌شود و از سوی دیگر با پیوند عمیق میان تفکرات اعضای خانواده و اصول و آداب اسلامی، زمینه ترویج سبک زندگی قرآنی فراهم می‌گردد.

از دیگر اقدامات تکمیلی که به ترویج سبک زندگی قرآنی در جامعه اسلامی کمک می‌کند؛ پیاده‌سازی آموزه‌های اخلاقی در نظام آموزش و پرورش است. لذا پیشنهاد می‌شود که فراتر از بستر خانواده‌ها، از سوی سیاست‌گذاران آموزشی این اصول و تفکرات اسلامی مورد توجه قرار گیرد. همچنین توصیه می‌شود که در مطالعات آینده به بررسی وضعیت آموزه‌های اخلاقی در نظام آموزش و پرورش با هدف توسعه سبک زندگی قرآنی پرداخته شود.

۶. سیاست‌گذاری

مقاله حاضر برگزیده مرحله دانشگاهی سی و هشتمین جشنواره سراسری قرآن و عترت دانشجویان کشور است. لذا از دست اندرکاران و داوران محترم دانشگاه شهید چمران اهواز تشکر و قدردانی می‌گردد.

منابع

-قرآن کریم

۱. اخوی، اصغر (۱۳۹۰). روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه اسلام. راه تربیت، ۶ (۱۶)، ۴۹-۸۲.
۲. اسدی، لیلا سادات؛ ذبیحی، عاطفه (۱۳۹۴). جایگاه و ضرورت اخلاق محوری در تقنین قوانین و مقررات مربوط به خانواده. پژوهشنامه اخلاق، ۸ (۲۷)، ۱۴۱-۱۵۸.
۳. بنی‌اسدی، هما (۱۳۹۳). سبک زندگی بر اساس آموزه‌های تربیت اخلاقی در نهج البلاغه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۴. پورمحمدی، راضیه؛ آخوند، سکینه؛ اخلاقی، نرجس (۱۳۹۹). واکاوی شاخص‌های اخلاقی خانواده متعالی در بهبود سبک زندگی از منظر قرآن کریم. بصیرت و تربیت اسلامی، ۱۷ (۵۳)، ۱۲۳-۱۴۶.
۵. حسن‌پور، مرتضی؛ بابایی سودانی، محمد؛ ذوالفقاری، محمد (۱۳۹۵). سبک زندگی قرآنی: سی موضوع کاربردی قرآن کریم. تهران: مرکز قرآن و عترت معاونت تعلیم و تربیت.
۶. حسن‌زاده تبریزی؛ سیدعلی (۱۳۹۹). لزوم انتخاب سبک زندگی قرآنی و اثر آن در سلامت خانواده و اجتماع. نخستین همایش بین‌المللی قرآن و سلامت اجتماعی، دانشگاه معارف قرآن و عترت (ع)، اصفهان.
۷. حسین‌علوی، فیاض؛ همت‌بناری، علی؛ علوی‌مهر، حسین (۱۳۹۹). ویژگی‌های عاطفی خانواده سالم در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن. قرآن و علم، ۱۴ (۲۷)، ۱۱۳-۱۳۰.
۸. خارستانی، اسماعیل؛ سیفی، فاطمه (۱۳۹۸). جایگاه خانواده در سبک زندگی اسلامی و ایجاد حیات طیبه از منظر قرآن کریم. مطالعات قرآن و حدیث سفینه، ۱۶ (۶۴)، ۸۹-۱۲۰.
۹. راستگو، کبری؛ سلیمی، سیده فاطمه (۱۳۹۶). آموزه‌های تربیتی نظام خانواده در گفتمان قرآنی با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای. الاهیات قرآنی، ۵ (۱)، ۷۳-۹۲.

۱۰. رامین، فرح (۱۳۹۳). اخلاق زمینه‌ساز ظهور در قلمرو خانواده. مشرق موعود، ۸ (۳۱)، ۱۵۵-۱۸۵.
۱۱. رحمتی، مریم؛ رحمتی کزاز، مهناز؛ حاجی آقاجانی، اعظم (۱۴۰۰). سبک زندگی با رویکرد قرآنی. رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، ۱ (۴)، ۱۷-۳۴.
۱۲. رضازاده طاهری، علی نقی؛ یزدخواستی، علی (۱۳۹۵). بررسی سبک زندگی فردی و اجتماعی براساس آموزه‌های اخلاقی قرآن و سیره پیامبر (ص). چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، تهران.
۱۳. روزافزای، زهراسادات (۱۳۹۹). سوره حجرات (سوره اخلاق): الگویی برای زندگی خانوادگی. اخلاق، ۱۰ (۳۸)، ۶۱-۸۳.
۱۴. سعیدیان جزی، مریم (۱۳۹۳). اصول و ارزش‌های اخلاقی در نهاد خانواده براساس آموزه‌های وحیانی و سیره اهل بیت (ع). پژوهشنامه حکمت اهل بیت (ع)، ۱ (۲)، ۶۱-۸۰.
۱۵. صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۸۸). اثربخشی رعایت آموزه‌های اخلاق اسلامی در کارآمدی خانواده. معرفت اخلاقی، ۱ (۱)، ۹۱-۱۱۸.
۱۶. فاضلی، حمیدرضا؛ انصاری مقدم، مجتبی (۱۳۹۸). اصول و شاخصه‌های سبک زندگی قرآنی (مطالعه موردی هر یک از اعضای خانواده). پژوهش و مطالعات علوم انسانی، ۱ (۷)، ۹۱-۱۰۶.
۱۷. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۵). اخلاق حرفه‌ای. قم: مجنون.
۱۸. فرهود، داریوش (۱۳۸۹). اخلاق آکادمیک در آموزش و پژوهش. اخلاق در علوم و فناوری، ۵ (۳ و ۴)، ۱-۴.
۱۹. فرهود، داریوش (۱۳۹۰). آموزش اخلاق. اخلاق در علوم و فناوری، ۶ (۳)، ۱-۵.
۲۰. فیضی، مجتبی (۱۳۹۲). درآمدی بر سبک زندگی اسلامی. معرفت، ۲۲ (۲)، ۲۷-۴۲.
۲۱. کاویانی، محمد (۱۳۹۶). سبک زندگی خانوادگی از دیدگاه قرآن و مدرنیته. تربیت اسلامی، ۱۲ (۲۴)، ۴۹-۷۳.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی؛ اسکندری، محمدحسین (۱۳۸۳). اخلاق در قرآن. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). دائره‌المعارف فقه مقارن. قم: امام علی بن ابیطالب (ع).
۲۴. مودب، سیدرضا؛ رضایی آدریانی، ابراهیم (۱۳۹۶). ضرورت استنباط سبک زندگی از قرآن. تفسیر و زبان قرآن، ۶ (۱)، ۱۱۱-۱۲۸.
۲۵. مودب، سیدرضا؛ محمودی، اکبر (۱۳۹۳). ویژگی‌های خانواده مطلوب در سبک زندگی پیشرفته قرآنی. قرآن و علم، ۸ (۱۵)، ۲۳۱-۲۶۹.
۲۶. مهارتی، یعقوب؛ برومند، الهام؛ لقمانی، هدیه (۱۳۹۳). اخلاق در فرآیند پژوهش علمی. اخلاق در علوم و فناوری، ۹ (۱)، ۱-۱۰.
۲۷. ویلیامز، برنارد (۱۳۸۳). فلسفه اخلاق. ترجمه زهرا جلالی. قم: معارف.

A Study on the Role of Ethical Teachings in the Family to Promote the Qur'anic Lifestyle

Sara Dakhesh*

Postdoctoral researcher, Department of Medical library and information sciences, School of Allied Medical Sciences, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

The problem currently facing the Muslim community is alienation from Islamic teachings and blind imitation of the foreign lifestyles which do not conform to the culture of Islamic society. With this in mind, this study was aimed at investigating the role of ethical teachings in the family to promote the Qur'anic lifestyle using analytical-documentary method. To this aim, the keywords of topics such as family ethical teachings, Islamic ethical teachings, Qur'anic lifestyle, Islamic lifestyle and the ethical dimension of the education system were searched in three Iranian databases namely Magiran, NoorMags and Civilica. Results showed that the ethical obligations of the family include the implementation of ethical teachings such as kindness and blessing, mutual respect, trust and faith in God, thankfulness and appreciation, patience, good-temperedness, loyalty and trustworthiness, justice, cooperation, empathy and responsibility, consultation, prudence and vigilance, and honesty and truthfulness with a virtueism approach. Therefore, the families' use of the Islamic principles and values in the education process and their implementation of ethical teachings will play a significant role in promoting the Qur'anic lifestyle in the society. Such an attitude and approach will doubtlessly lead to positive results in the society. It will contribute to the spiritual and ethical growth of families on the one hand, and pave the way for promoting the Quranic and Islamic lifestyle by creating a profound connection between the thoughts of family members and Islamic principles and values on the other.

Keywords: Ethical teachings, Family, Transcendental society, Qur'anic lifestyle, Islamic lifestyle